

حق پدیدآورنده اثر ادبی و هنری نسبت به اصلاح یا استرداد اثر

سعید محسنی

استادیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد s-mohseni@um.ac.ir

سید محمد مهدی قبولی درافشان

استادیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد ghaboli@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۲

تاریخ پذیرش: ۹۱/۵/۴

چکیده

بروز اشتباهات اساسی در تدوین یک اثر ادبی و هنری یا دگرگونی‌های عمیق اندیشه‌ها و عقاید پدیدآورنده، ممکن است موجب شکاف و جدایی میان او و اثرش گردد یا اعتبار و حیثیت وی را از جهات مختلف (مذهبی، فنی، هنری و غیره) مورد تهدید قرار دهد. به همین جهت، یکی از حقوق معنوی که در عرصه مالکیت‌های ادبی و هنری برای پدیدآورنده اثر در نظام‌های حقوقی فرانسه و مصر مورد شناسایی قرار گرفته، حق پدیدآورنده نسبت به اصلاح یا استرداد اثر است. البته پذیرش حق مزبور مطلق نبوده، قلمرو محدود و شرایط ویژه‌ای از جمله جبران پیشینی خسارت‌های طرف قرارداد، برای اجرای حق مزبور پیش‌بینی شده است. این در حالی است که حق مزبور در متون قانونی و مقررات ایران مورد اشاره قرار نگرفته است. به همین دلیل در این جستار ضمن بهره‌گیری از دستاوردهای نظام‌های حقوقی فرانسه و مصر، با رویکردی فقهی حقوقی، به تبیین مفهوم، قلمرو و آثار حق مزبور پرداخته شده است. به نظر می‌رسد در شرایط کنونی نظام حقوقی ایران، پذیرش حق مزبور مستلزم ورود در قلمرو تراضی یا بهره‌گیری از قواعد لاضرر و نفی عسر و حرج می‌باشد. بدیهی است در این صورت، قلمرو و آثار حق مزبور نیز با توجه به میانی مذکور تعیین می‌گردد. با این همه، شایسته است قانونگذار با در نظر گرفتن اقتضانات ویژه حقوق ادبی و هنری و با استفاده از تجارب سایر نظام‌های حقوقی، نسبت به پیش‌بینی صریح حق مزبور و تعیین قلمرو و آثار آن اقدام نماید.

کلید واژگان: حق اصلاح یا استرداد، حقوق معنوی، اثر ادبی و هنری، پدیدآورنده.

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی شماره ۱۰۰/۵۳۳ پ است که با حمایت مالی پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده و بدین وسیله از ریاست محترم پژوهشکده و معاونت محترم پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد تشکر می‌شود.

در عرصه مالکیت‌های ادبی و هنری در کنار حقوق مادی پدیدآورنده، از حقوق معنوی وی نیز سخن گفته می‌شود. البته دامنه حقوق معنوی پدیدآورنده آثار ادبی و هنری و نحوه حمایت از آن در نظام‌های حقوقی مختلف یکسان نیست. به گونه‌ای که در برخی از نظام‌های حقوقی (کامن‌لا)، حقوق معنوی به صورت محدود پذیرفته شده، حال آن که در برخی دیگر از نظام‌های حقوقی همچون نظام حقوقی فرانسه و مصر به گونه‌ای وسیع‌تر عمل شده است. همان‌گونه که برخی از نویسندگان حقوق ایران (زرکلام، ۱۳۸۷، صص ۷-۸) بیان داشته‌اند، علت این اختلاف در این است که نظام‌های حقوقی که به حقوق معنوی بهای بیشتری می‌دهند، میان اثر و پدیدآورنده رابطه تنگاتنگی قائل هستند. حال آن که در نظام‌های حقوقی که از سیستم کپی‌رایت برای حمایت از آثار استفاده می‌کنند، اثر را فاقد رابطه با شخصیت پدیدآورنده دانسته، بیشتر بر ماهیت اقتصادی حقوق پدیدآورنده تکیه دارند. با این همه، با توجه به تأثیر کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی به ویژه دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا، تفاوت میان نظام‌های حقوقی مزبور کم‌رنگ شده است.

در قانون مالکیت فکری فرانسه مصوب ۱۹۹۲، فصول اول و دوم تیر دوم کتاب نخست به ترتیب به حقوق معنوی (Droits moraux) و حقوق مالی (Droits patrimoniaux) پدیدآورنده پرداخته است. قانون مالکیت فکری مصر مصوب ۲۰۰۲، نیز به همین ترتیب در مواد ۱۴۳ به بعد، حقوق معنوی و حقوق مالی را برای پدیدآورنده به رسمیت شناخته است. قانونگذار ایران نیز با استفاده از تعبیر حقوق معنوی و حقوق مادی در مواد مختلف قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹، به دو دسته حقوق مادی و معنوی تصریح نموده است.

حقوق معنوی اثر ادبی و هنری در متون قانونی ایران تعریف نشده است. لیکن همان‌گونه که برخی از اساتید حقوق ایران (صفایی، ۱۳۸۶، ص ۸۴) بیان داشته‌اند، حقوق معنوی آن دسته از حقوق و امتیازات غیرمالی است که مربوط به شخصیت پدیدآورنده و برای حمایت از آن مقرر شده است. هرچند ارتباط حقوق معنوی با شخصیت پدیدآورنده مورد تصریح مقررات ایران قرار نگرفته، لیکن از آن جایی که اثر ادبی و هنری تبلور شخصیت پدیدآورنده است و با توجه به این

حق پدید آورنده اثر ادبی و هنری نسبت به اصلاح یا استرداد اثر / ۱۶۹

که اشتراط اصالت اثر و ابتکاری بودن آن نیز دلالت بر این مسأله دارد، در پذیرش ارتباط مزبور در حقوق ایران تردید روا نیست. ارتباط حقوق معنوی با شخصیت پدیدآورنده در مواد L121-1 و L212-2 قانون مالکیت فکری فرانسه مورد اشاره قرار گرفته است. به گونه‌ای که ماده L121-1 پس از ذکر حق حرمت نام و سمت پدیدآورنده و حرمت اثر وی، تصریح می‌نماید که این حق وابسته به شخص پدیدآورنده است.^۲ ماده L212-2 نیز پس از ذکر حقوق مذکور در مورد هنرمند معجزی اثر (L'artiste-interprète)، آن را وابسته به شخص وی دانسته است.

یکی از حقوق معنوی که به موجب ماده L121-4 قانون مالکیت فکری فرانسه و ماده ۱۴۴ قانون مالکیت فکری مصر مورد شناسایی قرار گرفته، حق پدیدآورنده نسبت به اصلاح یا استرداد اثر است. این در حالی است که حق مزبور در متون قانونی و مقررات ایران مورد اشاره قرار نگرفته است. به همین جهت این سؤال مطرح است که آیا حق مزبور می‌تواند در حقوق ایران مورد پذیرش قرار گیرد. به علاوه قلمرو حق مزبور چیست و آثار آن کدام است. طبیعی است پاسخ به این سؤالات نیازمند مطالعه تطبیقی است. به همین دلیل در این جستار ضمن بهره‌گیری از دستاوردهای نظام حقوقی فرانسه و مصر، با رویکردی فقهی حقوقی، به جستجوی پاسخ سؤالات مزبور در نظام حقوقی ایران می‌پردازیم. در این راستا ابتدا ضمن تبیین مفهوم حق اصلاح یا استرداد، جایگاه این حق در نظام حقوقی فرانسه، مصر و ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد (مبحث

^۱ در حقوق ایران، قانونگذار برای بیان مفهوم اصالت از تعبیر «ابتکار» استفاده نموده است. توضیح این که استفاده از تعبیر «ابتکار» در ماده یک قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان و بندهای هشت تا دوازده ماده دو آن قانون، به شرط ابتکاری بودن اثر اشاره دارد. البته «ابتکار» در متون قانونی تعریف نگردیده، لیکن بسیاری از حقوقدانان ایران (صفایی، ۱۳۸۶، ص ۷۳؛ همو، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۳۰؛ زرکلام، ۱۳۸۷، ص ۴۵؛ میرحسینی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۱؛ امامی، ۱۳۸۶، ص ۹۳) تعبیر مزبور را بیانگر لزوم اصالت دانسته‌اند. با این همه، برخی (اسماعیلی، ۱۳۸۴، ص ۲۲) درخصوص مترادف مفهوم ابتکاری بودن با اصالت تردید نموده‌اند. همچنین باید توجه داشت از آن جایی که شرط ابتکار (اصالت) در تمام بندهای ماده دو قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مورد تصریح قرار نگرفته و در ماده یک نیز در مقام تعریف «اثر»، آن را عبارت از آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار پدید می‌آید معرفی نموده، برخی (انصاری، ۱۳۸۷، ص ۶۹؛ همو، ۱۳۸۶، ص ۱۳۱) این گونه استنباط نموده‌اند که ابتکار تنها در مواردی شرط حمایت است که مورد تصریح قانونگذار قرار گرفته باشد و در سایر موارد از مطلق اثر حمایت شده است. به نظر می‌رسد تفسیر لفظی مزبور با روح حاکم بر مالکیت‌های ادبی و هنری هماهنگ نیست.

^۲ Article L121-1: "...Ce droit est attaché à sa personne...."

نخست). سپس قلمرو موضوعی و شخصی حق مزبور را تبیین خواهیم نمود (مبحث دوم) و در نهایت به بررسی آثار و شرایط حق اصلاح یا استرداد خواهیم پرداخت (مبحث سوم).

مبحث نخست - مفهوم حق اصلاح یا استرداد و رویکرد نظام حقوقی فرانسه، مصر و ایران نسبت به آن
ممکن است در تدوین یک اثر ادبی و هنری، اشتباهات اساسی رخ دهد یا پس از تدوین آن، اندیشه‌ها و عقاید پدیدآورنده دچار دگرگونی‌های عمیق شود. موارد مزبور موجب شکاف و جدایی میان پدیدآورنده و اثر می‌گردد و ممکن است حیثیت او را از جهت مذهبی، فنی، هنری و غیره، مخدوش نماید. زیرا آثار ادبی و هنری نمود و تبلور شخصیت پدیدآورنده آن محسوب می‌شود. این واقعیت موجب طرح این سؤال شده که اگر پدیدآورنده در خصوص بهره‌برداری از اثر، قراردادی با دیگری منعقد نموده و به موجب آن نسخه‌ای از اثر را به وی تسلیم یا تعهد به تسلیم آن نموده باشد، آیا پدیدآورنده می‌تواند ضمن عدول از تصمیم مزبور، اقدام به استرداد اثر کرده یا انتشار و عرضه اثر را منوط به اصلاح آن نماید؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت حق اصلاح یا استرداد اثر در کشورهای محدودی مورد پذیرش قرار گرفته است (Pollaud-Dulian, 2005, p. 436, n° 658) (صفایی، ۱۳۸۶، ص ۸۶؛ زرکلام، ۱۳۸۷، ص ۱۲۲؛ کلمبه، ۱۳۸۵، ص ۹۷). البته در کنوانسیون برن^۱ و مقررات ضمیمه تریپس^۲ چنین حقی به رسمیت شناخته نشده است.

یکی از کشورهایی که حق مزبور را به رسمیت شناخته، کشور فرانسه است. همان‌گونه که برخی از نویسندگان فرانسوی (Desbois, 1966, p. 437, n° 394) بیان داشته‌اند، حق اصلاح یا استرداد ابتدا در رویه قضایی فرانسه، البته به گونه‌ای متفاوت، مطرح و سپس قانونگذار این

^۱. اولین معاهده بین‌المللی در خصوص حمایت از آثار ادبی و هنری، کنوانسیون برن است. این کنوانسیون در نه سپتامبر ۱۸۸۶ در شهر برن تصویب و در سالهای ۱۸۹۶، ۱۹۰۸، ۱۹۱۴، ۱۹۲۸، ۱۹۴۸، ۱۹۶۷، ۱۹۷۱ و ۱۹۷۹ تکمیل، تجدیدنظر و اصلاح شده است. (در این خصوص ر. ک.)

http://www.wipo.int/treaties/fr/ip/berne/trtdocs_wo001.html, last visited: 27 sep. 2011)

^۲. یکی از ضمایم موافقتنامه سازمان جهانی تجارت، ضمیمه مربوط به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری موسوم به تریپس (TRIPs: Trade Related aspects of Intellectual Property Rights) است که از هفت قسمت تشکیل گردیده و مباحث متعدد مالکیت فکری از اصول بنیادین تا حل اختلافات و غیره را در خود جای داده است.

حق پدید آورنده اثر ادبی و هنری نسبت به اصلاح یا استرداد اثر / ۱۷۱

کشور، حق مزبور را در سال ۱۹۵۷ نهادینه نموده است. در ادبیات حقوقی فرانسه، از این حق تحت عنوان "droit de repentir ou de retrait" یاد شده است. این عبارت در ماده ۳۲ قانون ۱۱ مارس ۱۹۵۷ راجع به مالکیت ادبی و هنری^۱ به کار رفته بود. محتوای ماده مزبور در ماده 4-L121 قانون جدید مالکیت فکری فرانسه تکرار شده است. مبنای حق مزبور که استثنایی بر نیروی الزام آور قرارداد محسوب می‌شود، احترام به دغدغه‌های پدیدآورنده دانسته شده است (Lucas, 2001, p. 323, n° 391).

در معنی دقیق دو اصطلاح "droit de repentir" و "droit de retrait" در دکترین حقوقی فرانسه اختلافاتی به چشم می‌خورد. به موجب یک تفسیر (cf. Desbois 1966, p. 436, n° 393; Pollaud-Dulian, 2005, p. 436, n° 656; Colombet, 1976, p. 41, n° 159; Ngounou, 2004, p. 41) که به عنوان دکترین غالب معرفی شده (Lucas, 2001, p. 323, n° 390)، "droit de repentir" ناظر به فرضی دانسته شده است که پدیدآورنده فقط در پی ایجاد اصلاحاتی^۲ در اثر است. حال آن که "droit de retrait" ناظر به فرضی است که پدیدآورنده در صدد پایان دادن به قرارداد خویش است.^۳ در تبیینی دیگر، برخی از حقوقدانان فرانسه (Desbois, 1966, pp. 436-437, n° 393) ترجیح داده‌اند که تفاوت میان دو اصطلاح در تقدم و تأخر زمانی آنها دانسته شود. توضیح این که ابتدا پشیمانی از انتشار اثر (repentir) رخ می‌دهد و سپس اقدام به استرداد (به منظور اصلاح یا به منظور خروج کامل اثر از گردونه انتشار) (retrait)، صورت می‌پذیرد. به اعتقاد ایشان، پشیمانی دارای شدت و ضعف است. در برخی موارد پدیدآورنده، اثر خود را به صورت کامل نامناسب می‌بیند و در برخی دیگر از موارد رضایت خاطر وی با برخی اصلاحات جلب خواهد شد. به همین دلیل پشیمانی وی ممکن است به استرداد به معنای خاص کلمه و توقف کامل انتشار اثر بینجامد و یا باعث اصلاح و تغییر اثر و سپس انتشار آن به صورت اصلاح شده شود. در تفسیری دیگر (Colombet, 1976, p. 146, n° 159) با تأکید بر تقدم و تأخر زمانی پیش‌گفته ادعا شده که "droit de repentir" ناظر به

^۱. Loi n° 57-298 du 11 mars 1957 sur la propriété littéraire et artistique.

^۲. البته در فرضی که قبل از انتشار، پدیدآورنده در پی اعمال اصلاحات جزئی است، اصلاحات مزبور متعارف بوده،

نیازی به استفاده از تأسیس حقوقی «حق اصلاح» نیست. (Lucas, 2001, p. 325, n° 397)

^۳. این نظر توسط دو تن از حقوقدانان عرصه مالکیت ادبی و هنری حقوق فرانسه (Le Tarnec و Gavin) مطرح

شده است. (Colombet, 1976, p. 146, n° 159)

پشیمانی و استرداد قبل از انتشار اثر و "droit de retrait" ناظر به پشیمانی و استرداد بعد از انتشار اثر است. در هر حال آنچه مهم است اینکه هر دو اصطلاح، متضمن نوعی استرداد اثر می‌باشد. خواه پدیدآورنده با توجه به تغییر شرایط، اثر خود را حتی با اصلاحات قابل چاپ نداند، خواه این که تمایل به چاپ آن پس از اعمال پاره‌ای اصلاحات داشته باشد. به همین جهت می‌توان اصطلاح فرانسوی مزبور را معادل با «حق پدیدآورنده نسبت به اصلاح یا استرداد اثر» دانست^۱ تا مفهوم واضح‌تری از آن استنباط گردد.

در هر حال به موجب ماده L121-4 قانون مالکیت فکری فرانسه که به صراحت بر وجود این حق صحه گذاشته، «به رغم انتقال حقوق بهره‌برداری، پدیدآورنده حتی در صورت انتشار اثر، در مقابل انتقال‌گیرنده، از حق اصلاح یا استرداد برخوردار است...» همان گونه که ملاحظه می‌شود، حق اصلاح یا استرداد مختص به مرحله قبل از انتشار اثر نبوده، مرحله پس از انتشار اثر و در زمان بهره‌برداری را نیز شامل می‌شود (Desbois, 1966, p. 440, n° 397; Colombet, 1976, pp. 147-148, n° 162).

البته باید توجه داشت که حق مزبور با سایر حقوق معنوی اشتباه نگردد. به عنوان نمونه هنگامی که پدیدآورنده با اقتباسی که تغییردهنده‌ی ماهیت اثر اوست، مخالفت می‌نماید، مسأله اعمال حق حرمت اثر مطرح است. همچنان که اگر وی مایل به درج نامش در قسمت تیتراژ فیلم یا در قسمت مربوط به نام نویسنده در مقاله نباشد، مسأله، مربوط به اعمال حق ولایت بر اثر (حق سرپرستی) (Le droit à la paternité) است (Pollaud-Dulian, 2005, pp. 437-438, n° 661).

^۱ برخی از نویسندگان (علی‌رضا محمدزاده وادقانی در کلمبه، ۱۳۸۵، ص ۹۷) از تعبیر «حق پشیمانی یا بازستانی» و برخی دیگر (زرکلام، ۱۳۸۷، ص ۱۲۲) از تعبیر «حق عدول (رجوع) یا اصلاح» به عنوان معادل اصطلاح فرانسوی فوق، سخن گفته‌اند.

^۲ منظور از حق ولایت حقی است که پدیدآورنده در خصوص انتساب اثر به خود دارد. این حق در بند نخست ماده L121-1 قانون مالکیت فکری فرانسه تحت عنوان حق حرمت نام و عنوان پدیدآورنده (Le droit au respect du nom et de sa qualité) و در متون حقوقی این کشور (Desbois, 1966, n° 413 s., pp. 560 s. Pollaud-Dulian, 2005, n° 628 s, pp. 415 s.) تحت عنوان حق ولایت بر اثر یا حق سرپرستی مطرح گردیده است. به همین جهت در ادبیات حقوقی فرانسه (cf. Pollaud-Dulian, 2005, n° 628, p. 415) رابطه میان پدیدآورنده و آثارش بسان رابطه شخص و فرزندان در نظر گرفته شده است. به موجب این حق پدیدآورنده می‌تواند اثر را با نام اصلی خود منتشر نماید. همچنین پدیدآورنده می‌تواند نام اصلی خود را کتمان نموده، تصمیم به انتشار اثر با اسم مستعار یا بدون نام، بگیرد. به موجب این حق، پدیدآورنده می‌تواند از انتشار اثر با نام‌اشخاص دیگر

حق پدید آورنده اثر ادبی و هنری نسبت به اصلاح یا استرداد اثر / ۱۷۳

همچنین باید میان حق تصمیم‌گیری در مورد انتشار اثر^۱ با حق اصلاح یا استرداد، تفکیک نمود. به موجب حق تصمیم‌گیری در مورد انتشار، پدیدآورنده اصولاً حق دارد تصمیم به انتشار و عرضه اثر خود نماید و هیچ شخصی نمی‌تواند در این راستا مانع وی گردد. همچنین او می‌تواند تصمیم به عدم انتشار بگیرد و هیچ شخصی نمی‌تواند او را وادار به چنین اقدامی نماید. زیرا تخلف از این قاعده، موجب تجاوز به شخصیت پدیدآورنده است (cf. Pollaud-Dulian, 2005, n° 612 et 614, pp. 405-406). این حق مربوط به همه آثار ادبی و هنری است، در حالی که حق اصلاح یا استرداد (همان‌گونه که در مبحث دوم بیان خواهیم نمود)، قلمرو محدودتری داشته، اصولاً در مواردی که حقوق بهره‌برداری اثر کلاً یا جزئاً منتقل گردیده است، جاری است.

نکته دیگر در خصوص اعمال حق اصلاح یا استرداد این است که حسب ظاهر ماده 4-L121 قانون مالکیت فکری فرانسه، پدیدآورنده در صورت پرداخت خسارت‌های وارد به طرف دیگر، اختیار طلق در اعمال حق مزبور دارد. حتی آن‌گونه که برخی از اساتید حقوق فرانسه (Desbois, 1966, p. 439, n° 396) بیان داشته‌اند، اصولاً اعمال حق اصلاح یا استرداد به اختیار پدیدآورنده بوده، کنترل انگیزه‌های معنوی وی در این خصوص، در اختیار مقامات قضایی قرار داده نشده است. زیرا انگیزه‌ها و دغدغه‌های فکری که موجب اعمال حق اصلاح یا استرداد گردیده، ماهیت شخصی داشته، از این حیث شایسته نیست که به ارزیابی مقامات قضایی محول گردد.

در راستای اعمال اختیاری و آزادانه حق اصلاح یا استرداد، همان‌گونه که برخی از نویسندگان فرانسوی (Desbois, 1966, p. 440, n° 396; Lucas, 2001, pp. 326-327, n° 400) یادآور شده‌اند، باید گفت که اعمال حق مزبور نیز ممکن است با سوءاستفاده از حق همراه باشد و پدیدآورنده با پوشش حق اصلاح یا استرداد، در صدد تأمین منافع اقتصادی خویش

ممانعت به عمل آورد. در خصوص آثار اشتراکی نیز لازم است نام جملگی پدیدآورندگان ذکر گردد. در مورد آثار جمعی نیز همین حکم درباره شخصی که اثر به او تعلق دارد، جاری است (Pollaud-Dulian, 2005, pp. 415-416, n° 628).

^۱ برخی نویسندگان (زرکلام، ۱۳۸۷، صص ۱۱۰-۱۱۱) از این حق که در حقوق فرانسه، با اصطلاح (Droit de divulgation) یاد گردیده، تحت عنوان «حق افشای اثر» یاد نموده‌اند. در توجه این تعبیر ادعا شده که اصطلاح مزبور در مقام مقایسه با اصطلاح «حق انتشار» بر ابعاد معنوی و غیرمادی حقوق پدیدآورنده تکیه بیشتری دارد.

برآید. طبیعی است چنانچه طرف مقابل ادله‌ای برای اثبات این مسأله و نمایاندن سوءاستفاده پدیدآورنده ارائه نماید، دادگاه باید به ادله مزبور توجه نموده، در صورت احراز مسأله، حق اصلاح یا استرداد منتفی خواهد بود. زیرا مبنای حق اصلاح یا استرداد، توجه به انگیزه‌های معنوی پدیدآورنده است.

نظام حقوقی مصر نیز از معدود نظام‌های حقوقی است که حق اصلاح یا استرداد^۱ را به رسمیت شناخته است. به موجب ماده ۴۲ قانون قدیم حمایت حق مؤلف مصر و ماده ۱۴۴ قانون جدید مالکیت فکری این کشور، «در صورت رخ دادن موجبات مهم و جدی، صرفاً برای پدیدآورنده این حق ایجاد می‌شود که به رغم واگذاری حقوق بهره‌برداری مادی اثر، از دادگاه بدوی درخواست صدور حکم مبنی بر ممانعت از انتشار اثر یا صدور حکم نسبت به جمع‌آوری آن از گردونه یا تجویز اعمال اصلاحات اساسی در آن بنماید...» برخی از حقوقدانان مصری (سنهوری، ۱۹۹۹، ج ۸، ص ۴۱۹) این حکم را دلیل ترجیح حقوق معنوی بر حقوق مادی ناشی از آثار ادبی و هنری می‌دانند.

البته اساتید حقوق مصر (سنهوری، ۱۹۹۹، ج ۷، ص ۳۳۵) به درستی سوءاستفاده از حق مزبور را مجاز ندانسته، معتقدند پدیدآورنده نمی‌تواند حق استرداد خویش را وسیله‌ای برای نقض تعهد خویش و دستیابی به منافع بیشتر از راه انعقاد قرارداد جدید با دیگری قرار دهد.

نظام تقنینی ایران در خصوص این حق، ساکت است. همین مسأله موجب شده که برخی از حقوق‌دانان (صفایی، ۱۳۸۶، ص ۸۶؛ آیتی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۲؛ امامی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۹؛ نیز رک. محمدی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۵) با توجه به اصل لزوم و قدرت الزام‌آور قرارداد، این حق را در حقوق ایران به رسمیت نشناسند. برخی دیگر از نویسندگان (حکمت‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۶۳) در نقد این نظر اشکالی را مطرح نموده و خود به آن پاسخ گفته‌اند. توضیح این که اگر عدم تمایل و انصراف پدیدآورنده از انتشار اثر معلول تغییر کلی دیدگاه وی باشد، اسناد سخن سابق به او کذب به شمار می‌آید و از این جهت ممکن است در این فرض بتوان حق عدول را موجه دانست. ایشان در نقد این احتمال، ضمن کذب ندانستن انتشار سخنان کسی که عقیده‌اش تغییر کرده، معتقدند پدیدآورنده می‌تواند برای این که دیدگاهش در این اثر در ادامه به او منتسب نگردد، با نگارش اثری دیگر، به ردّ دیدگاه سابق و تبیین دیدگاه جدیدش بپردازد. برخی دیگر از

^۱ الحق فی سحبه المصنف أو إدخال تعديلات جوهرية عليه.

حق پدید آورنده اثر ادبی و هنری نسبت به اصلاح یا استرداد اثر / ۱۷۵

حقوقدانان (زرکلام، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵) قائل به تفصیل شده، حق استرداد را در فرضی که اثر هنری در قالب شی‌ای مادی تبلور یافته است، نفی نموده‌اند. ولی در سایر موارد معتقدند که باید به پدیدآورنده اختیار داده شود تا در مواردی که منافع مشروع وی مورد تهدید قرار گرفته یا اعتقادات فلسفی، هنری، فکری و اخلاقی او دچار تغییر شده، از حق عدول یا اصلاح اثر موضوع قراردادهای بهره‌برداری، برخوردار شود.

هرچند نظر اخیر به عنوان پیشنهاد اصلاحی جهت پیش‌بینی حق مزبور با شرایط محدود، در سیستم حقوقی ایران، مناسب به نظر می‌رسد، لیکن در شرایط موجود، با توجه به اصل لزوم و حکم ماده ۲۱۹ قانون مدنی، پذیرش آن دشوار است، مگر این که موجبی برای برهم زدن قرارداد وجود داشته باشد. در این راستا اگر حق مزبور به گونه‌ای (اعم از صریح یا ضمنی) وارد عرصه قرارداد گردد، وجود چنین حقی منتسب به اراده طرفین قرارداد خواهد بود.

همچنین چنانچه پابندی به قرارداد موجب ضرر معتنی به و حرج پدیدآورنده گردد به نحوی که گزیری از آن جز از راه فسخ قرارداد وجود نداشته باشد، به نظر می‌رسد بتوان با استناد به قاعده لاضرر و قاعده نفی عسر و حرج، به نفی حکم ضرری و حرجی لزوم قرارداد اقدام نمود. توضیح این که در مواردی ممکن است در تدوین یک اثر ادبی و هنری، اشتباهات اساسی رخ دهد یا پس از تدوین اثر مزبور، اندیشه‌ها و عقاید پدیدآورنده دچار دگرگونی‌های عمیق گردد. در این صورت ممکن است الزام پدیدآورنده به پابندی به تعهدات قراردادی و به تبع آن، انتشار اثر به کیفیت مزبور، موجب مخدوش شدن حیثیت مذهبی، علمی یا هنری وی گردد و ضرر و حرج شدیدی را برای وی به دنبال داشته باشد. زیرا همان‌گونه که می‌دانیم، آثار ادبی و هنری نمود و تبلور شخصیت پدیدآورنده آن محسوب می‌شود. با توجه به این توضیحات، چنانچه تنها راه رفع ضرر، فسخ قرارداد باشد، می‌توان حکم ضرری یا حرجی لزوم قرارداد را منتفی دانست. زیرا ادله قاعده لاضرر و نفی عسر و حرج بر ادله سایر احکام حکومت دارد (انصاری، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۴۶۲؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، صص ۲۳۵ و ۲۵۶ و ۲۶۴؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۴، صص ۲۶۳-۲۶۵؛ مصطفوی، ۱۴۱۷، ص ۲۹۶؛ برای ملاحظه نظری که وجه تقدم ادله لاضرر و نفی حرج را از باب تخصیص و نه حکومت می‌داند، رک. مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۱، صص ۱۸۵-۱۸۶). طبیعی است در این راه، رعایت اقتضائات قواعد مزبور ضروری است.

البته باید توجه داشت اعمال حق فسخ مبتنی بر لاضرر و نفی حرج، باید به فوریت اعمال گردد. زیرا حق مزبور خلاف اصل لزوم قراردادهاست و مبنای پیدایش آن نفی ضرر و نفی عسر و حرج است و این مهم با اعطای حق فسخ برای مدتی متعارف، تأمین خواهد شد.

پرواضح است اثبات ضرر یا حرج به عهده مدعی آن (پدیدآورنده) است و در این راه باید با تفسیر مضیق، راه سوءاستفاده را مسدود نمود. به ویژه این که اصل بر لزوم قرارداد است. در این راستا، توجه به ضرر وارد بر طرف دیگر قرارداد نیز بایسته است. توضیح این که ممکن است اعمال حق فسخ توسط پدیدآورنده موجب زیان طرف دیگر گردد. در این خصوص ممکن است بدو با این ایراد مواجه شویم که در صورت تعارض ضرر پدیدآورنده با ضرر ناشر، اعمال قاعده لاضرر منتفی می‌گردد. در پاسخ باید گفت، از سویی اگر آن گونه که برخی از فقیهان امامی (انصاری، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۴۶۷)، احتمال داده‌اند، قاعده نفی حرج را بر قاعده نفی ضرر حاکم بدانیم، هتک حیثیت مذهبی یا علمی و هنری پدیدآورنده ممکن است عسر و حرج تلقی شود، در حالی که معمولاً ناشر از فسخ قرارداد دچار عسر و حرج نمی‌شود و حداکثر، وضعیت ضرر بر او عارض می‌گردد. در نتیجه اصلاً تعارضی در بین نخواهد بود. البته همان گونه که برخی فقیهان (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، صص ۲۴۱-۲۴۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۱، صص ۱۹۹-۲۰۰) بیان داشته‌اند، حکومت ادله قاعده نفی عسر و حرج بر ادله قاعده نفی ضرر محل تأمل است و دلیل قانع کننده‌ای برای آن ارائه نشده است. از سوی دیگر، در صورت مسأله پیش گفته، فرض این است که ضرر عرضی و حیثیتی پدیدآورنده از طریق جز فسخ قرارداد، قابل رفع نیست. در حالی که ضرر ناشر که نوعاً ضرر مالی است، از طریق پرداخت خسارت قابل جبران است.^۱ جالب توجه این که در نظام حقوقی فرانسه و مصر نیز که به پدیدآورنده حق اصلاح یا استرداد اعطا کرده‌اند، اعمال آن را منوط به پرداخت غرامت به طرف قرارداد اعلام نموده‌اند.

علاوه بر راهکار قراردادی (پیش‌بینی حق فسخ در قرارداد) و راه حل استناد به قاعده لاضرر و نفی عسر و حرج، چنانچه قانونگذار در مواردی حق فسخ یا عدول از قرارداد را مقرر نموده باشد، پدیدآورنده می‌تواند بر اساس آن اقدام نماید. بدین ترتیب چنانچه قرارداد منعقد شده توسط

^۱ البته باید توجه داشت که پذیرش این حکم فرع بر پذیرش عقیده‌ای است که به موجب آن، قاعده لاضرر علاوه بر نفی حکم ضرری، اثبات حکم هم می‌کند.

حق پدید آورنده اثر ادبی و هنری نسبت به اصلاح یا استرداد اثر / ۱۷۷

پدیدآورنده در زمره عقود اذنی باشد، همان‌گونه که برخی از فقیهان معاصر (روحانی، ۱۴۱۴، ص ۲۲۶) نیز بیان نموده‌اند، امکان رجوع از اذن برای پدیدآورنده وجود دارد. البته باید توجه نمود که در نظام‌های حقوقی که حق اصلاح یا استرداد مورد پذیرش قرار گرفته، تردیدی در استثنائی بودن آن وجود ندارد. زیرا پذیرش چنین حقی، با اصل لزوم و پابندی به قراردادها در تنافی است. توضیح این که به موجب اصل لزوم قراردادها که در سیستم‌های حقوقی مختلف مورد پذیرش قرار گرفته، قراردادها لازم‌الاجرا بوده، قابل عدول با اراده یک‌جانبه یکی از طرفین نیست. در همین راستا، حقوقدانان فرانسوی^۱ و مصری (سنهوری، ۱۹۹۹، ج ۸، صص ۴۱۹-۴۲۰) بر استثنائی و محدود بودن حق اصلاح یا استرداد تأکید نموده‌اند. این حکم از ماده ۱۴۴ قانون مالکیت فکری مصر نیز که وجود حق اصلاح یا استرداد را منوط به رُخ دادن موجبات مهم و جدی و صرفاً برای پدیدآورنده مقرر نموده، قابل استنباط است. طبیعی است از نتایج استثنائی بودن حق مزبور، تفسیر مضیق و لزوم اکتفا به قدر متیقن است.

مبحث دوم- قلمرو حق اصلاح یا استرداد

با توجه به استثنائی بودن حق اصلاح یا استرداد و لزوم اکتفا به قدر متیقن، تشخیص قلمرو این حق در نظام‌های حقوقی که آن را به رسمیت شناخته‌اند، از اهمیت برخوردار است و برای تبیین جزئیات حق مزبور ضروری است. به همین جهت در این مبحث پس از تبیین قلمرو حق اصلاح یا استرداد از حیث مواردی از آثار ادبی و هنری که این حق درباره آن پیش‌بینی شده (قلمرو موضوعی)، به بررسی قلمرو حق از حیث شخص یا اشخاصی که دارنده حق می‌باشند (قلمرو شخصی)، می‌پردازیم.

بند نخست- قلمرو موضوعی

در نظام‌های حقوقی که از حق اصلاح یا استرداد سخن گفته‌اند، حق مزبور مطلق نبوده، در مورد همه آثار ادبی و هنری جاری نیست. بلکه قلمرو آن محدود به برخی از آثار و گروهی از قراردادها راجع به آن‌هاست.

^۱. Derieux, Universitaires et droit moral d'auteur en droit français, sur le site d'internet <http://cpi.robic.ca/Cahiers/12-1/12-1%2004DerieuxEmmanuel.htm>

ماده 4-L121 قانون مالکیت فکری فرانسه قلمرو حق اصلاح یا استرداد را محدود به قراردادهای بهره‌برداری نموده است. به موجب این ماده، «به رغم انتقال حق بهره‌برداری، پدیدآورنده حتی در صورت انتشار اثر، در مقابل انتقال‌گیرنده، از حق اصلاح یا استرداد برخوردار است...»

- با توجه به استعمال عبارت‌های «انتقال حق بهره‌برداری» (la cession de son droit d'exploitation) و «انتقال‌گیرنده» (cessionnaire) در متن ماده فوق، این‌گونه استنباط شده (Lucas, 2001, p. 324, n° 393) که قانونگذار فرانسه حق اصلاح یا استرداد را ناظر به قراردادهایی دانسته که به موجب آن پدیدآورنده حقوق بهره‌برداری از اثر (اعم از تکثیر، اجازه اقتباس یا عرضه) را مورد انتقال قرار داده است. البته برای اعمال حق اصلاح یا استرداد، لازم نیست قرارداد مورد نظر متضمن انتقال کلیه حقوق مادی پدیدآورنده باشد. در واقع نه تنها در خصوص قراردادهایی که به موجب آن یکی از حقوق مادی پدیدآورنده منتقل می‌گردد (Desbois, 1966, p. 440, n° 397)، بلکه در مورد انتقال محدود حق تکثیر، عرضه، اقتباس یا ترجمه نیز حق اصلاح یا استرداد جاری است (Lucas, 2001, p. 324, n° 393).^۱

ماده 4-L121 قراردادهایی که متضمن انتقال حقوق بهره‌برداری نیست را در بر نمی‌گیرد. با این توضیح، از آنجایی که در حقوق فرانسه به موجب قرارداد سفارش اثر، اصولاً حقوق بهره‌برداری از اثر به طرف قرارداد منتقل نمی‌گردد، حق اصلاح یا استرداد نیز منتفی است (cf. Lucas, 2001, pp. 324-325, n° 394). به عبارت دیگر، در حقوق فرانسه موضوع قرارداد سفارش اثر ایجاد یک اثر دانسته شده که با انتقال حقوق پدیدآورنده راجع به اثری که در این راستا خلق خواهد شد، متفاوت بوده، اصولاً انتقال حقوق مزبور را به دنبال ندارد. بند سوم ماده 1-L111 قانون مالکیت فکری فرانسه که در اول اوت ۲۰۰۶ اصلاح گردیده، به صورت روشن

^۱ در خصوص ماهیت حقوقی قرارداد بهره‌برداری اشاره به این نکته که برخی از نویسندگان فرانسوی (Pollaud-Dulian, 2005, p. 576, n° 939) بیان نموده‌اند، لازم است که برخلاف مالکیت‌های صنعتی که قراردادهای بهره‌برداری ممکن است ناظر به انتقال حق یا اجازه بهره‌برداری باشد، در خصوص مالکیت‌های ادبی و هنری چنین تفکیکی وجود ندارد. بلکه قانونگذار فرانسه در مورد همه انواع قراردادهای بهره‌بردار یا حقوق ادبی و هنری، از تعبیر «انتقال» (la cession) سخن گفته است. در واقع قراردادهای انتقال همان‌گونه که می‌تواند متضمن یک حق برای همه مدت باشد، می‌تواند متضمن اجازه‌ای کاملاً ویژه و محدود به زمانی خاص باشد. بنابراین تعبیر انتقال حق، نباید موجب اشتباه گردیده و از آن تقابل میان انتقال حق و اجازه بهره‌برداری استنباط گردد.

حق پدید آورنده اثر ادبی و هنری نسبت به اصلاح یا استرداد اثر / ۱۷۹

این حکم را بیان نموده است. به موجب این بند، وجود یا انعقاد قرارداد اجاره کار یا خدمات به وسیله یک پدید آورنده اثر فکری، جز در موارد استثنایی مقرر در این قانون، منافاتی با بهره‌برداری از حقوق شناخته شده در بند یک این ماده ندارد. دیوان عالی کشور فرانسه نیز در آرائی (Cass. Civ.I, 24 octobre 2000; Cass.Civ.I, 16 mars 2004 cité par Pollaud-Pollaud-Dulian,) به این مسأله تصریح نموده است (Dulian, 2005, p. 667, n° 1118).^۱ (2005, p. 667, n° 1118).

به همین ترتیب به موجب بند فوق، هنگامی که پدید آورنده اثر فکری مأمور دولت، سازمان‌های اداره شهری، مؤسسه اداری عمومی، اداره مستقل برخوردار از شخصیت حقوقی یا بانک فرانسه است، نیز همین حکم جاری است.

در عین حال، در خصوص بهره‌برداری مأمورین دولت و سازمان‌های فوق‌الذکر از آثاری که ایجاد نموده‌اند، در مواد L121-7-1 و L131-3-1 تا L131-3-3 استثنائات و احکام ویژه‌ای مقرر شده است. به موجب ماده L121-7-1 مصوب یک اوت ۲۰۰۶، حق انتشار شناخته شده برای مأمور مذکور با رعایت قواعد حاکم بر شغل مأمور و قواعد حاکم بر سازمان متبوع وی، قابل اجراست. در همین راستا ماده مزبور مقرر می‌دارد که مأمور مذکور نمی‌تواند از تغییر اثر که توسط مقام مافوق و در راستای تأمین وظیفه خدمت‌رسانی دستگاه ذی‌ربط، تصمیم گرفته شده است، مخالفت نماید مشروط بر این که تغییر مزبور لطمه‌ای به شرافت و حیثیت مأمور مزبور وارد ننماید. همچنین وی نمی‌تواند حق اصلاح یا استرداد خود را بدون موافقت مقام مافوق اجرا نماید. به موجب بند نخست ماده L131-3-1 مصوب یک اوت ۲۰۰۶ نیز در موردی که برای انجام وظیفه خدمت عمومی کاملاً ضروری باشد، حق بهره‌برداری از اثری که توسط مأمور دولت در مقام اجرای مأموریت یا به خاطر تعلیماتی که در این خصوص دریافت داشته است، ایجاد گردیده، از زمان ایجاد اثر، متعلق به دولت خواهد بود. البته به موجب بند دو ماده مذکور، در خصوص بهره‌برداری تجاری از آثار مزبور، دولت فقط برخوردار از حق تقدم است. بر اساس بند نخست

^۱ در همین راستا، برخی از حقوق‌دانان فرانسوی (Colombet, 1976, pp. 148-149, n° 164) در تفسیر ماده ۳۲ قانون ۱۱ مارس ۱۹۵۷ که متضمن همان حکم ماده L121-4 قانون مالکیت فکری است، حق اصلاح یا استرداد را در مورد قرارداد سفارش اثر هنری منتفی دانسته، در مقام تعلیل، به عدم انتقال حق تکثیر به طرف قرارداد اشاره نموده‌اند.

ماده 2-3-131L، همین احکام در مورد سازمان‌های اداره شهری (collectivités territoriales)، مؤسسه اداری عمومی (établissements publics à caractère administratif)، اداره مستقل برخوردار از شخصیت حقوقی (administratif)، و در ارتباط با آثاری که به وسیله مأمورین آنها در مقام اجرای وظایف یا بر اساس تعلیمات دریافتی خلق می‌گردند، جاری است.

باید توجه داشت که در ماده 31-132L قانون مالکیت فکری فرانسه با قراردادی تحت عنوان قرارداد سفارش برای تبلیغات^۱ مواجه هستیم که اصولاً دربردارنده انتقال حقوق بهره‌برداری راجع به اثری که برای تبلیغات پدید خواهد آمد، می‌باشد. البته شرط خلاف مبنی بر عدم انتقال نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. بنابراین به طور منطقی و با توجه به مطالب پیش گفته، در این مورد نیز باید برای پدیدآورنده اثر، قائل به وجود حق اصلاح یا استرداد گردید. برخی از حقوق‌دانان فرانسوی (Desbois, 1966, p. 440, n° 398) نیز در مواردی که قراردادهای سفارش اثر متضمن انتقال حقوق بهره‌برداری مربوط به آثار آینده باشند، حق اصلاح یا استرداد را در مورد آن جاری دانسته‌اند.

- با توجه به مطالب فوق و این که حق اصلاح یا استرداد ناظر به اختیار انصراف در خصوص قرارداد انتقال حقوق بهره‌برداری (تکثیر، اجازه اقتباس یا عرضه) دانسته شده، گروهی از حقوق‌دانان فرانسوی (Desbois, 1966, pp. 458-459, n° 412; Pollaud-Dulian, 2005, pp. 436-437, n° 658 et 660; Colombet, 1976, pp. 146 s., n° 160 s.; Desbois, 1966, pp. 457-458, n° 412) معتقدند که حق مزبور امکان بازپس‌گیری مالکیت مادی اثر هنری فروخته‌شده را برای هنرمند فراهم نمی‌آورد. در واقع، دکترین فرانسه با توجه به این که حق مزبور استثنائی بر اصل لزوم قراردادهای مندرج در ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه^۲ است و همچنین با توجه به گستره وسیعی که برای حق مالکیت مادی در ماده ۵۴۴ قانون

^۱. Contrat de command pour la publicité.

همان‌گونه که برخی از نویسندگان فرانسوی (Pollaud-Dulian, 2005, p. 674, n° 1130) بیان داشته‌اند، به رغم این که در قانون مالکیت فکری فرانسه، برای تبیین این قرارداد، از تعبیر «قرارداد سفارش» استفاده شده، ماهیت قرارداد مزبور نوعی قرارداد انتقال حقوق بهره‌برداری در مورد اثری است که برای تبلیغات آفریده می‌شود.

^۲. به موجب این ماده، «قراردادهایی که به صورت قانونی تشکیل یافته‌اند، به منزله قانون اشخاص طرف قرارداد محسوب است. قراردادهای مزبور جز با توافق طرفین یا در مواردی که قانون تجویز نموده، قابل فسخ نیست...»

حق پدید آورنده اثر ادبی و هنری نسبت به اصلاح یا استرداد اثر / ۱۸۱

مدنی فرانسه^۱ پیش‌بینی شده، گسترش حق استرداد به مواردی که پایگاه مادی اثر انتقال یافته را پذیرفته است. به تعبیر دیگر (Lucas, 2001, p. 325, n° 395) در مواردی که قرارداد مالکیت شیء مادی که در بردارنده اثر است را منتقل می‌نماید، اعمال حق اصلاح یا استرداد علاوه بر نقض نیروی الزام‌آور قرارداد، به سلب حق مالکیت می‌انجامد که جز در موارد مصرح قانونی امکان‌پذیر نیست.

- یکی دیگر از محدودیت‌های ناظر به حق اصلاح یا استرداد در نظام حقوقی فرانسه، حکمی است که در ماده L121-7 قانون مالکیت فکری این کشور در خصوص نرم‌افزارهای رایانه‌ای پیش‌بینی شده است. به موجب این ماده، جز در صورت شرط مخالف، پدیدآورنده نرم‌افزار نمی‌تواند از حق اصلاح یا استرداد استفاده نماید. این ماده به موجب قانون ۱۰ می ۱۹۹۴ (در خصوص اجرای دستورالعمل شورای اتحادیه اروپا مورخ ۱۴ می ۱۹۹۱ راجع به حمایت حقوقی از برنامه‌های رایانه‌ای)^۲، وارد قانون مالکیت فکری فرانسه گردیده است. برخی از نویسندگان فرانسوی (Pollaud-Dulian, 2005, p. 440, n° 665) در توجیه این حکم بیان داشته‌اند، لزوم تسهیل تجارت بین‌المللی نرم‌افزارهای فرانسوی و نقش مهم این نوع تجارت در عرصه بین‌المللی، باعث شده است که حق اصلاح یا استرداد در خصوص این قبیل آثار حذف گردد. با این همه بر اساس ماده پیش‌گفته، امکان پیش‌بینی حق اصلاح یا استرداد به صورت قراردادی وجود دارد.

- باید بر محدودیت‌های فوق، موردی را نیز افزود که پدیدآورنده اثر، «مأمور دولت، مأمور یک نهاد محلی، مأمور مؤسسه عمومی اداری، مأمور سازمان اداری مستقل و دارای شخصیت

Article 1134: "Les conventions légalement formées tiennent lieu de loi à ceux qui les ont faites. Elles ne peuvent être révoquées que de leur consentement mutuel, ou pour les causes que la loi autorise...."

^۱. به موجب این ماده، «مالکیت عبارت است از حق بهره‌برداری و در اختیار داشتن اشیاء به صورت کاملاً مطلق، به شرط این که استفاده‌هایی که به موجب قوانین و مقررات منع گردیده، نباشد.»

Article 544: "La propriété est le droit de jouir et disposer des choses de la manière la plus absolue, pourvu qu'on n'en fasse pas un usage prohibé par les lois ou par les règlements."

^۲. Loi n°94-361 du 10 mai 1994 portant mise en oeuvre de la directive (C.E.E.) n° 91-250 du Conseil des communautés européennes en date du 14 mai 1991 concernant la protection juridique des programmes d'ordinateur.

حقوقی یا مأمور بانک فرانسه^۱ است. مأمورین مزبور که در بند سه ماده ۱-۱۱۱ L1 قانون مالکیت فکری فرانسه مورد اشاره قرار گرفته‌اند، به موجب قسمت اخیر ماده ۱-۷-۱۲۱ L نمی‌توانند بدون موافقت مقام مافوق، نسبت به اجرای حق اصلاح یا استرداد، اقدام نمایند. بنابراین اعمال حق اصلاح یا استرداد در این مورد با محدودیت مواجه شده است.

- همچنین باید توجه داشت که در خصوص حقوق مجاور نیز حق اصلاح یا استرداد وجود ندارد. توضیح این که تأمین‌کنندگان مالی تولید و توزیع آثار ادبی و هنری^۲ فقط از حقوق اقتصادی برخوردار بوده، از حقوق معنوی برخوردار نیستند (Pollaud-Dulian, 2005, p. 963, n° 1665). هنرمندان مجری اثر^۳ نیز گرچه از برخی از حقوق معنوی (حق بر نام و حق حرمت اجرا) برخوردار هستند، لیکن در مورد ایشان حق اصلاح یا استرداد پیش‌بینی نشده است. بنابراین از آن جایی که حق اصلاح یا استرداد حق استثنایی و مغایر اصل نیروی الزام‌آور قراردادهاست، جز با تصریح قانونی نمی‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد. با این همه چنانچه حق مزبور به موجب قرارداد پیش‌بینی شده باشد، پذیرش آن با مانعی روبرو نخواهد بود (Pollaud-Dulian, 2005, p. 933, n° 1605-1606).

در حقوق مصر، برخی از اساتید حقوق این کشور (سنهوری، ۱۹۹۹، ج ۸، ص ۴۲۰) برخلاف حقوق فرانسه، معتقدند که در مورد هر اثری که موجبات توجیه‌کننده جمع‌آوری اثر (استرداد) وجود داشته باشد، پدیدآورنده می‌تواند حق مزبور را اعمال نماید. به عنوان نمونه اگر پدیدآورنده یک نقاشی یا عکس هنری، پس از فروش آن، متوجه وجود عیبی هنری در اثر خود گردد که جایگاه و منزلت او را مورد خدشه قرار می‌دهد، می‌تواند با رد نمودن ثمن و عندالایقتضاء غرامت به مشتری، اثر خود را مسترد نماید. به همین ترتیب می‌تواند بدون برهم زدن قرارداد، صرفاً به رفع عیب از اثر خود بپردازد. در این صورت پدیدآورنده نمی‌تواند بابت رفع عیب، از مشتری مابه‌ازایی مطالبه نماید.

با این همه باید توجه داشت، همان‌گونه که در ماده ۱۴۴ قانون مالکیت فکری مصر مقرر شده، اعمال حق اصلاح یا استرداد منوط به وجود موجبات جدی و مهم است. بنابراین همان‌گونه که

^۱. un agent de l'Etat, d'une collectivité territoriale, d'un établissement public à caractère administratif, d'une autorité administrative indépendante dotée de la personnalité morale ou de la Banque de France.

^۲. Les auxiliaires financiers de la création et de la diffusion des œuvres.

^۳. Artists-interprètes.

حق پدید آورنده اثر ادبی و هنری نسبت به اصلاح یا استرداد اثر / ۱۸۳

برخی از اساتید حقوق مصر (سنه‌وری، ۱۹۹۹، ج ۸، ص ۴۱۹) بیان داشته‌اند، تمسک به ادله واهی و سلیقه‌ای، توجیه‌کننده استرداد اثر نیست. زیرا به ویژه پس از نشر اثر، به طور معمول حقوق اشخاص دیگر مانند ناشر به اثر تعلق می‌گیرد و استرداد اثر و زیان رساندن به حقوق مزبور نیازمند این است که حق معنوی قوی‌تری نسبت به حقوق مادی دیگران آن را توجیه نماید. به اعتقاد ایشان در صورت اختلاف در خصوص مهم و جدی بودن موجبات اعمال حق مزبور، تشخیص دادگاه تعیین‌کننده خواهد بود.

در حقوق ایران اگر حق اصلاح یا استرداد به استناد قاعده نفی حرج و لاضرر مورد پذیرش قرار گیرد، تعیین قلمرو حق مزبور بستگی به دامنه اجرای قواعد مزبور دارد. پرواضح است با پذیرش این مبنا، در مواردی که حرج و ضرر معتنا بهی وجود داشته باشد، امکان برخورداری پدیدآورنده از حق مزبور وجود خواهد داشت و در این خصوص، نوع اثر تأثیری در موضوع نخواهد داشت. در هر حال شایسته است قانونگذار با در نظر گرفتن قواعد مزبور، به تعیین مصادیق و شرایط قواعد مذکور در خصوص مورد بحث بپردازد. طبیعی است در این صورت، زمینه پیدایش اختلاف میان دادرسان به حداقل رسیده، رسیدگی‌های قضائی تسهیل خواهد شد. این شیوه در قانونگذاری ایران بی‌سابقه نبوده است. به عنوان نمونه قانونگذار در باب طلاق، مصادیقی از عسر و حرج را در تبصره ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی (الحاقی ۱۳۸۱/۴/۲۹) پیش‌بینی نموده که در صورت احراز موارد مزبور توسط دادگاه، حکم الزام زوج به طلاق زوجه صادر خواهد شد. به علاوه قانونگذار می‌تواند با بهره‌گیری از تجارب نظام‌های حقوقی پیش‌گفته و با در نظر گرفتن اقتضائات خاص حقوق ادبی و هنری، به منظور حمایت از پدیدآورندگان این دسته از آثار، حق اصلاح یا استرداد را به صورت مستقل تشریح و احکام آن را تدوین نماید.

در هر حال، صرف نظر از مبنای لاضرر و نفی عسر و حرج، همان‌گونه که گفتیم، برخی از نویسندگان حقوق ایران (زرکلام، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵) که حق اصلاح یا استرداد را اصولاً مورد پذیرش قرار داده‌اند، آن را در فرضی که اثر هنری در قالب شیئی‌ای مادی تبلور یافته، نفی نموده‌اند.

بند دوم - قلمرو شخصی

علاوه بر این که حق اصلاح یا استرداد از حیث موضوعی با محدودیت‌هایی روبروست، از جهت شخص دارنده‌ی حق نیز دارای محدودیت است.

در حقوق فرانسه، به موجب ماده 4-L121 قانون مالکیت فکری، از پدیدآورنده به عنوان صاحب حق اصلاح یا استرداد سخن به میان آمده است. طبیعی است همان‌گونه که برخی از حقوقدانان فرانسه (Pollaud-Dulian, 2005, p. 437, n° 660) بیان داشته‌اند، تفاوتی در این خصوص میان پدیدآورنده واحد و پدیدآورندگان متعدد که آثار مشترک (œuvres de Collaboration) یا آثار جمعی (œuvres collectives) پدیدآورده‌اند، وجود ندارد. از آن جایی که این حق برای حق استرداد برای هر یک از پدیدآورندگان آثار مشترک مورد پذیرش است، چنانچه یک یا چند نفر از ایشان خواهان اعمال حق مزبور باشند، سایر پدیدآورندگان نمی‌توانند مانع ایشان گردند. البته طبیعی به شرحی در قسمت آثار حق اصلاح یا استرداد خواهیم گفت، اعمال‌کنندگان حق باید از عهده خسارت‌های شریک خود برآیند.

از میان حقوق معنوی پدیدآورنده، به موجب ماده 1-L121، حق حرمت نام و عنوان پدیدآورنده و حق حرمت اثر با فوت وی به ورثه منتقل می‌شود و حق تصمیم‌گیری در مورد انتشار و عرضه اثر نیز به موجب ماده 2-L121، پس از وفات پدیدآورنده، توسط ورثه اعمال می‌گردد. لیکن انتقال حق پدیدآورنده مبنی بر اصلاح یا استرداد اثر به ورثه در قانون مالکیت فکری فرانسه پیش‌بینی نگردیده و رویه قضایی این کشور^۱ بر غیر قابل انتقال بودن این حق به ورثه، تأکید دارد. برخی از حقوقدانان فرانسوی (Pollaud-Dulian, 2005, p. 438, n° 662) در خصوص توجیه عدم امکان اعمال حق اصلاح توسط ورثه پدیدآورنده، اظهار نموده‌اند که این امتیاز آن‌چنان به آفرینش اثر مرتبط است که اصلاح اثر نیز به نوعی آفرینش محسوب است. به همین جهت چنانچه پدیدآورنده در زمان حیات خویش آن را اعمال ننماید، ورثه وی صلاحیت اعمال آن را به جای پدیدآورنده نخواهند داشت. مگر این که پدیدآورنده موارد اصلاحی مورد نظر خویش را قبل از وفات، بدون هرگونه ابهامی بیان نموده باشد.

در حقوق مصر نیز به موجب ماده ۱۴۴ قانون مالکیت فکری این کشور، حق اصلاح یا استرداد صرفاً برای خود پدیدآورنده به رسمیت شناخته شده است. بنابراین با توجه به لزوم مباشرت پدیدآورنده در این خصوص، حق مزبور قابل انتقال به ورثه نیست. به اعتقاد برخی از حقوقدانان مصر (سنه‌وری، ۱۹۹۹، ج ۸، ص ۴۲۰)، این حکم ریشه در طبیعت حق مورد نظر دارد.

^۱. T. Cass. civ. Seine, 10 octobre 1951, cité par Querub et Bidet-Emeriau, L'exercice post mortem du droit moral, <http://dea-dtcom.u-paris2.fr/Cours/Cours-2008/varet/exposes/lexercicepostmortemdroitmoral.doc>, last visited: 27 sep. 2011.

حق پدید آورنده اثر ادبی و هنری نسبت به اصلاح یا استرداد اثر / ۱۸۵

در حقوق ایران از آن جایی که اصل حق مزبور مورد تصریح قانونگذار قرار نگرفته، تصریحی درباره محدودیت‌های مزبور نیز وجود ندارد. با این حال چنانچه با توجه به مبنای قاعده لاضرر و نفی عسر و حرج، اصل حق مورد پذیرش قرار گیرد، بر مبنای همین قواعد می‌توان به ورثه نیز حق استرداد و فسخ قرارداد بهره‌برداری را اعطا نمود. بدیهی است سبب پیدایش حق در این فرض، ارث نیست. بلکه حق مستقیماً و به منظور نفی ضرر و عسر و حرج، برای ایشان پدید می‌آید.

البته در خصوص حق فسخی که در زمان حیات پدیدآورنده برای وی ایجاد شده ولی تا قبل از فوت وی، اعمال نگردیده این سؤال در حقوق ایران باقی است که آیا حق فسخ مزبور به ورثه منتقل می‌گردد یا خیر. در پاسخ به این سؤال نیز باید میان فروض مختلف تفکیک نمود. چنانچه حق فسخ مزبور مبنای قراردادی داشته باشد، اصولاً با فوت پدیدآورنده به ورثه وی منتقل می‌گردد، مگر این که مباشرت وی در اعمال خیار شرط شده باشد. لیکن چنانچه حق فسخ مورد نظر مبتنی بر قاعده لاضرر و نفی عسر و حرج باشد، طبیعی است در صورت منتفی شدن مبنای حق فسخ (ضرر و عسر و حرج پدیدآورنده)، نمی‌توان از بقای حق مزبور سخن گفت. لیکن مشکل در جایی است که به رغم فوت پدیدآورنده، مبنای مذکور باقی مانده باشد. به عنوان نمونه چنانچه پدیدآورنده اندیشمندی بنام بوده باشد که اثری غیرعلمی و مبتنی بر فرضیات واهی ترتیب داده و برای انتشار آن با ناشری قرارداد منعقد کرده باشد و پس از آن متوجه واهی بودن فرضیات مطروحه گردد، طبیعی است وی از حق عدول برخوردار خواهد بود تا بتواند از این رهگذر آسیب جدی که شخصیت و اعتبار علمی وی را تهدید می‌کند را مرتفع نماید. در این فرض چنانچه پدیدآورنده قبل از اعمال حق فسخ وفات یابد، مبنای مذکور همچنان باقی است. در این مورد از سویی حق مزبور مرتبط با شخصیت پدیدآورنده است و از آنجا که حقوق قائم به شخص، به ورثه منتقل نمی‌گردد، نمی‌توان از انتقال حق مزبور به ورثه سخن گفت. از سوی دیگر مبنای حق فسخ که احتراز از ورود زیان به شهرت و شخصیت علمی پدیدآورنده است، همچنان باقی است و باید برای آن به ویژه در فرضی که انصراف از اعمال حق توسط پدیدآورنده، احراز نگردیده، چاره‌ای اندیشید. به نظر می‌رسد شایسته است برای احترام به شخصیت پدیدآورنده اثر ادبی و هنری، قانونگذار اجازه اعمال حق استرداد را به ورثه یا مرجعی صالح اعطا نموده و برای رفع هرگونه ابهام، شرایط اعمال آن را نیز تعیین نماید.

علاوه بر مسأله امکان یا عدم امکان اجرای حق استرداد توسط ورثه، مطلب دیگری که پرداختن به آن لازم می‌نماید این است که آیا در حقوق ایران ورثه یا وصی حق دارند پس از وفات پدیدآورنده، نسبت به اصلاح اثر وی اقدام نمایند. اهمیت این مسأله در این است که اثر پدیدآمده در پی اصلاح، نوعی تصحیح^۱ به شمار آمده و جزء آثار اقتباسی است. بدیهی است ورثه در دوران حمایت از اثر و همچنین وصی در حدود مفاد وصیت پدیدآورنده، حق دارند اقدام به تصحیح اثر بنمایند. البته تصحیح مزبور منتسب به خود ایشان است و انتساب آن به پدیدآورنده مجاز نخواهد بود. این حکم ریشه در وابستگی اثر به شخصیت پدیدآورنده دارد. چه این که اثر تبلور شخصیت و زاینده افکار و اندیشه‌های پدیدآورنده است و انتساب اندیشه‌های مزبور به پدیدآورنده را نه تنها نمی‌توان انکار نمود، بلکه انتساب آن به شخص دیگر نیز خلاف واقعیت و غیر ممکن است. حتی توافق خصوصی افراد نیز نمی‌تواند چنین واقعیتی را تغییر دهد. زیرا قراردادهای در عالم اعتبار مؤثر بوده، توان تغییر در امور واقعی و تکوینی را ندارد.

مبحث سوم - آثار حق اصلاح یا استرداد

- یکی از تعهدات مهم پدیدآورنده در مقابل ناشر این است که به هزینه خود و در موعد مقرر، نسخه‌ای از اثر را در اختیار وی قرار دهد تا بتواند کار نشر را آغاز نماید. در حقوق فرانسه به موجب ماده 9-132 L قانون مالکیت فکری، پدیدآورنده ملزم است برای ناشر امکان تکثیر و تولید نسخه‌های اثر را فراهم آورد. در این راستا حقوقدانان فرانسه (Pollaud-Dulian, 2005, pp. 630-631, n° 1046; cf. Colombet, 1976, p. 264, n° 321; Lucas, 2001, pp. 459-463, n° 574-780) از تکلیف پدیدآورنده به تحویل نسخه‌ای از اثر به منظور فراهم نمودن امکان نشر سخن گفته‌اند.

^۱ در قوانین تعریفی از اصطلاح «تصحیح» به چشم نمی‌خورد. ولی از نظر عرفی، مفهومی که از این اصطلاح متبادر می‌شود این است که در مواردی که به دلایلی از جمله گذر زمان، نقایص و نارسایی‌هایی در یک اثر ظاهر می‌شود، خود پدیدآورنده یا اشخاص دیگر با رعایت حقوق پدیدآورنده، مبادرت به پیرایش، اصلاح و تعدیل اثر اصلی و مرتفع نمودن نقایص و موارد مورد انتقاد آن می‌نمایند. در این خصوص نیز ابتکار تصحیح کننده شرط حمایت از اثر جدید می‌باشد. در ماده 3-112 L قانون مالکیت فکری فرانسه پدیدآورندگان آثاری تحت عنوان «transformations» مشروط بر رعایت حقوق پدیدآورندگان اثر اصلی، مورد حمایت قرار گرفته‌اند. برخی نویسندگان (زرکلام، ۱۳۸۷، ص ۶۲) آثار مزبور را معادل آثار تصحیحی به‌شمار آورده‌اند.

حق پدید آورنده اثر ادبی و هنری نسبت به اصلاح یا استرداد اثر / ۱۸۷

بدیهی است مهمترین اثر پذیرش حق اصلاح یا استرداد، این است که پدیدآورنده می تواند با اعمال آن، تعهد خود مبنی بر تسلیم نسخه ای از اثر به طرف قرارداد را منتفی سازد. همچنان که اگر پدیدآورنده تعهد خود مبنی بر تسلیم نسخه ای از اثر را اجرا نموده، می تواند با اعمال حق مورد بررسی، آن را مسترد داشته، از انتشار آن اثر ممانعت به عمل آورد.

- البته باید توجه داشت که به موجب ماده 4-121 L قانون مالکیت فکری فرانسه، اعمال حق اصلاح یا استرداد منوط به پرداخت خسارت های احتمالی است که اعمال حق مزبور، ممکن است برای انتقال گیرنده پدید آورد. بنابراین برای امکان اعمال حق اصلاح یا استرداد، پدیدآورنده باید ابتدا کلیه خسارت های طرف قرارداد را پرداخت نماید. همان گونه که برخی از حقوقدانان فرانسوی (Colombet, 1976, p. 148, n° 163; Pollaud-Dulian, 2005, p. 439, n° 664) بیان داشته اند، خسارت های مزبور اعم از خسارت های بالفعل (از قبیل علی الحساب های پرداختی توسط طرف قرارداد و سایر هزینه هایی که جهت بهره برداری از اثر مانند هزینه تولید، توزیع و انتشار متحمل شده) و عدم النفع است. البته تکلیف به پرداخت فوری کلیه خسارت ها در فرضی که پدیدآورنده در پی متوقف نمودن انتشار اثر است، مورد انتقاد برخی از حقوقدانان فرانسه (Colombet, 1976, p. 148, n° 163) قرار گرفته است. به اعتقاد ایشان پرداخت قسمتی از از خسارت ها به منظور تضمین می توانست کافی به شمار آید.

لازم به ذکر است که در مورد آثار مشترک، در صورت اعمال حق استرداد، علاوه بر جبران خسارت های مربوط به اشخاص ثالث، خسارت های مربوط به شریک یا شرکای اثر که موافق با اعمال حق مزبور نیستند نیز باید جبران شود.

در خصوص مبنای تعهد به جبران خسارت جهت اعمال حق اصلاح یا استرداد، برخی از حقوقدانان فرانسوی (Desbois, 1966, p. 447, n° 402) آن را مبتنی بر تقصیر پدیدآورنده اثر ندانسته، بلکه آن را مابه ازائی دانسته اند که قانونگذار در ازای اجرای حق اصلاح یا استرداد، بر عهده پدیدآورنده قرار داده است.

در خصوص میزان جبران خسارت، پیش بینی شرط کیفری (وجه التزام) با منع قانونی مواجه نیست مگر این که مبلغ آن به قدری بالا باشد که به وضوح، هدف از اشتراط آن ممتنع نمودن اجرای حق اصلاح یا استرداد باشد. زیرا در واقع پیش بینی وجه التزام سنگین به نوعی، اسقاط حق اصلاح یا استرداد محسوب است (Desbois, 1966, p. 443, n° 400). حال آن که حق

مزبور همچون سایر حقوق معنوی، غیرقابل اسقاط است (Desbois, 1966, p. 442, n° 399).

- در کنار جبران خسارت که قبل از اعمال حق اصلاح یا استرداد باید انجام گیرد، قانونگذار فرانسه الزام دیگری را نیز بر عهده پدیدآورنده قرار داده که مربوط به آینده (پس از اعمال حق اصلاح یا استرداد) می‌باشد. به موجب ماده 4-121L، «...پس از اعمال حق اصلاح یا استرداد نیز در صورتی که پدیدآورنده تصمیم به انعقاد قرارداد برای انتشار اثرش بگیرد، ملزم است ابتدا پیشنهاد مزبور در مورد حقوق بهره‌برداری را به انتقال‌گیرنده نخست و با همان شرایط معین در قرارداد پیشین، ارائه نماید.» هدف از این مقررہ پیش‌گیری از این مسأله دانسته شده (Colombet, 1976, p. 148, n° 163) که پدیدآورنده حق اصلاح یا استرداد را دستاویزی برای نیل به قراردادی با منافع مادی بیشتر ننماید. برخی از نویسندگان فرانسوی (Lucas, 2001, p. 326, n° 399) بر این نکته تأکید نموده‌اند که اثر اخیر یعنی رعایت حق اولویت طرف قرارداد نخستین، ناظر به حق استرداد است. بدیهی است در فرضی که پدیدآورنده بدون این که نسبت به استرداد اقدام کند، صرفاً به اعمال حق برای اصلاح اثر پرداخته، حق اولویت مزبور سالبه به انتفاء موضوع خواهد بود.

در خصوص حق اولویت پیش‌بینی شده در ماده ۳۲ قانون ۱۱ مارس ۱۹۵۷ که در ماده 4-121L قانون مالکیت فکری فرانسه انعکاس یافته، برخی از اساتید حقوق این کشور (Desbois, Le, 1966, p. 445, n° 401) با ارائه تفسیر مضیق، حق مزبور را ناظر به فرضی می‌دانند که پدیدآورنده پس از استفاده از حق استرداد اثر، بدون آن که تغییری در آن داده باشد، تصمیم به انتقال حقوق بهره‌برداری از آن می‌گیرد. لیکن اگر تغییری در اثر داده باشد، طرف قرارداد سابق اولویتی نخواهد داشت. ایشان عبارات متن قانون را نیز مانعی برای تفسیر مضیق خود نمی‌دانند. در مقابل برخی دیگر (Lucas, 2001, p. 326, n° 399) ضمن رد این تفسیر معتقدند که تفسیر مضیق مزبور قابل مناقشه است. زیرا به سهولت این امکان را برای پدیدآورنده فراهم می‌نماید که از زیر بار حق اولویت بگریزد. به اعتقاد ایشان چنانچه حق اولویت را ناظر به همه مواردی دانسته شود که انتقال حقوق بهره‌برداری همان اثر مطرح است (حتی اگر تغییری در آن اثر داده شده باشد)، با روح قانون تناسب بیشتری دارد. در مقایسه این دو دیدگاه به نظر می‌رسد، چنانچه تغییرات اعمال شده، موجب تغایر عرفی دو اثر گردد، اعتقاد به عدم وجود حق اولویت ترجیح دارد. لیکن در

حق پدید آورنده اثر ادبی و هنری نسبت به اصلاح یا استرداد اثر / ۱۸۹

صورتی که به رغم تغییرات، اثر مزبور از نقطه نظر عرفی متفاوت از وضع پیشین نباشد، طرف قرارداد نخست همچنان دارای حق اولویت خواهد بود.

برخی از حقوقدانان فرانسوی (Pollaud-Dulian, 2005, pp. 439-440, n° 664) تکلیف و شرایط سخت گیرانه مزبور را مانع سوءاستفاده پدیدآورنده از حق اصلاح یا استرداد دانسته، معتقدند این شرایط موجب شده که اعمال این حق در عمل بسیار نادر و به صورت توافقی و همراه با اقامه دعوی باشد.

در حقوق مصر نیز پذیرش حق اصلاح یا استرداد بر تعهد پدیدآورنده مبنی بر تسلیم نسخه اصلی یا نسخه‌ای مطابق با اصل تأثیر می‌گذارد و امکان تعدیل یا منتفی شدن آن را فراهم می‌آورد. به همین جهت، به صراحت الزام پدیدآورنده به اجرای عین تعهد نفی گردیده است. البته سوءاستفاده از حق اصلاح یا استرداد ممنوع بوده، حق مزبور نمی‌تواند دستاویزی برای گریز از تعهدات قراردادی و با هدف دستیابی به منافع مادی بیشتر قرار گیرد (سنهوری، ۱۹۹۹، ج ۷، صص ۳۳۴-۳۳۵).

همچنین باید توجه داشت، در حقوق مصر نیز در صورت اعمال حق اصلاح یا استرداد، زیان وارد بر طرف قرارداد باید جبران گردد. به همین دلیل ماده ۱۴۴ قانون مالکیت فکری این کشور مقرر می‌دارد که پدیدآورنده برای اعمال حق اصلاح یا استرداد، «...موظف است ابتدا غرامت عادلانه‌ای به انتقال گیرنده حق بهره‌برداری مادی اثر، در موعد قضایی مقرر، پرداخت نماید. در غیر این صورت، اثر حکم منتفی خواهد شد.»

در حقوق ایران آثار اعمال حق اصلاح یا استرداد به مبنای پذیرش حق مزبور بستگی دارد. چنانچه مبنای حق اصلاح یا استرداد، توافق صریح یا ضمنی طرفین باشد، باید آثار اعمال حق مزبور را نیز با بررسی اراده طرفین تحلیل نمود. بدیهی است در این مبنای پدیدآورنده به موجب قرارداد، حق استرداد داشته، در نتیجه می‌تواند با فسخ قرارداد، از تعهد تسلیم نسخه اصلی که اثر قرارداد انتشار می‌باشد، خودداری کند یا نسخه تسلیم شده را باز پس گیرد. در این فرض در مورد جبران خسارت نیز چنانچه به موجب قرارداد پیش‌بینی خاصی شده باشد، بر همان اساس اقدام خواهد شد. در صورت سکوت طرفین در این خصوص، اصولاً پیش‌بینی و پذیرش حق فسخ برای پدیدآورنده توسط طرف مقابل، به معنای پذیرش لوازم آن نیز می‌باشد. بنابراین جز در موردی که

در اعمال حق، تقصیر یا سوءاستفاده رخ داده باشد، تکلیف پدیدآورنده به پرداخت خسارت محملی نخواهد داشت.

لیکن چنانچه مبنای پذیرش حق اصلاح یا استرداد، قاعده لاضرر و قاعده نفی حرج باشد، هرچند پدیدآورنده امکان انصراف از قرارداد و خودداری از تسلیم نسخه اصلی اثر را پیدا می‌کند، لیکن باید به جبران خسارت‌های طرف مقابل نیز بپردازد. توضیح این که چنانچه پدیدآورنده حاضر به پرداخت خسارت طرف مقابل نباشد، پذیرش و اعمال حق اصلاح یا استرداد برای پدیدآورنده با اشکال مواجه خواهد شد. زیرا طرف مقابل نیز می‌تواند با استناد به قاعده لاضرر، مانع اقدام ضرری پدیدآورنده گردد. در واقع در صورت تعارض دو ضرر، محملی برای استناد به قاعده لاضرر وجود نداشته، باید احکام اولیه همچون لزوم قرارداد جریان یابد. اما چنانچه پدیدآورنده با پرداخت خسارت طرف مقابل اقدام به اعمال حق اصلاح یا استرداد نماید، طرف مقابل نمی‌تواند به استناد قاعده لاضرر، مانع اعمال حق پدیدآورنده گردد. زیرا با پرداخت خسارت‌های وی توسط پدیدآورنده، پذیرش حق اصلاح یا استرداد با قید موصوف، ضرری برای وی دربرندارد.

در سایر مواردی که فسخ قرارداد مبتنی بر مبنای دیگری است، مانند فرضی که قرارداد بهره‌برداری در قالب یکی از قراردادهای جایز منعقد گردیده، جبران خسارت، تابع قواعد عمومی است. بنابراین در صورت وجود اسباب مسئولیت مدنی از قبیل قاعده غرور و تقصیر، الزام پدیدآورنده به جبران خسارت ممکن خواهد بود.

همان‌گونه که بیان شد، در فرضی که پدیدآورنده پس از اعمال حق اصلاح یا استرداد، مجدداً قصد واگذاری حقوق مادی مزبور را داشته باشد، در حقوق فرانسه برای طرف قرارداد سابق حق اولویت پیش‌بینی شده است. لیکن در متون قانونی ایران به حق اصلاح یا استرداد و به تبع آن، به چنین اولویتی اشاره نشده است. با این همه باید گفت در مواردی که حق اصلاح یا استرداد بر مبنای شرط قراردادی مورد پذیرش قرار گرفته، ممکن است در خصوص اولویت طرف قرارداد سابق در انعقاد قرارداد جدید، توافق خصوصی صورت گرفته باشد. بدیهی است در این صورت، شرط مزبور مشمول عمومات وفای به شرط و اصل صحت بوده، لازم‌الاتباع خواهد بود. لیکن در سایر موارد، پذیرش حق اولویت موصوف، نیازمند پیش‌بینی توسط قانونگذار است.

بروز اشتباهات اساسی در تدوین یک اثر ادبی و هنری یا دگرگونی‌های عمیق اندیشه‌ها و عقاید پدیدآورنده، ممکن است موجب شکاف و جدایی میان او و اثرش گردد یا اعتبار و حیثیت وی را از جهات مختلف (مذهبی، فنی، هنری و غیره) مورد تهدید قرار دهد. از این روی و به منظور احترام به دغدغه‌های پدیدآورنده، در قانون مالکیت فکری فرانسه، برای پدیدآورنده حق اصلاح یا استرداد به رسمیت شناخته شده است. البته از آن جایی که حق مزبور در تضاد با نیروی الزام‌آور قرارداد است، حقی استثنایی به شمار می‌آید. در قانون مالکیت فکری مصر نیز حق مزبور مورد شناسایی قرار گرفته است. نظام تقنینی ایران در این خصوص ساکت بوده، اصولاً اصل لزوم قرارداد مانعی در راه پذیرش آن است. با این حال اگر حق مزبور به گونه‌ای وارد عرصه قرارداد گردد، وجود چنین حقی متناسب به اراده طرفین قرارداد خواهد بود. همچنان که اگر پایبندی به قرارداد موجب ضرر معنی‌به و حرج پدیدآورنده گردد (به نحوی که گزیری از آن جز از راه فسخ قرارداد وجود نداشته باشد)، قاعده لاضرر و قاعده نفی عسر و حرج، نافی حکم ضرری و حرجی لزوم قرارداد خواهد بود. به علاوه اگر قرارداد منعقد توسط پدیدآورنده در زمره عقود اذنی باشد، امکان رجوع از اذن برای پدیدآورنده وجود دارد.

قلمرو حق اصلاح یا استرداد محدود است. به گونه‌ای که در نظام حقوقی فرانسه، این حق مختص پدیدآورنده بوده، به ورثه منتقل نمی‌گردد و در مورد همه آثار و قراردادهای نیز جاری نیست. بلکه محدود به آثار موضوع قراردادهایی است که به موجب آن پدیدآورنده به صورت جزئی یا کلی، اقدام به انتقال حق بهره‌برداری از اثر نموده است. به علاوه گسترش حق استرداد به مواردی که قرارداد موجب انتقال پایگاه مادی اثر گردیده، مورد پذیرش قرار نگرفته است. در خصوص نرم‌افزارهای رایانه‌ای نیز جز در صورت شرط مخالف، پدیدآورنده نرم‌افزار برخوردار از حق اصلاح یا استرداد نیست. در حقوق مصر نیز حق مزبور قائم به شخص پدیدآورنده بوده، اعمال آن منوط به وجود موجبات جدی و مهم است. در حقوق ایران قلمرو حق مزبور فرع بر پذیرش آن و وابسته به مبنایی است که برای آن پذیرفته می‌شود.

مهمترین اثر پذیرش حق اصلاح یا استرداد منتفی شدن تکلیف پدیدآورنده مبنی بر پایبندی به قرارداد است در نتیجه وی می‌تواند از تسلیم نسخه‌ای از اثر به طرف قرارداد خودداری نموده یا آن را مسترد دارد. قانونگذار فرانسه در مقابل شناسایی حق اصلاح یا استرداد برای پدیدآورنده، از

سویی اعمال حق مزبور را منوط به پرداخت کلیه خسارت‌های طرف قرارداد کرده و از سوی دیگر، وی را ملزم نموده که چنانچه مجدداً تصمیم به انعقاد قرارداد برای انتشار اثرش بگیرد، ابتدا پیشنهاد قرارداد مزبور را با همان شرایط معین در قرارداد پیشین، به انتقال‌گیرنده نخست ارائه نماید. تکلیف به جبران خسارت‌ها، قبل از اعمال حق اصلاح یا استرداد در حقوق مصر نیز پیش‌بینی شده است. در حقوق ایران بر فرض پذیرش حق مزبور، جبران خسارت بسته به مبنای پذیرش حق و تابع قواعد عمومی است.

با توجه به ماهیت ویژه حقوق ادبی و هنری و ارتباط وثیق آن با شخصیت پدیدآورنده، به نظر می‌رسد پذیرش حق اصلاح یا استرداد به صورت محدود و با احراز موجبات جدی و مهم، توسط قانونگذار ایران قابل دفاع و شایسته می‌باشد. بدیهی است در این صورت، تعیین دقیق قلمرو شخصی و موضوعی اعمال حق مزبور و نیز تعیین شرایط و آثار این حق بایسته است.

فهرست منابع

فارسی و عربی

- آیتی، حمید، (۱۳۷۵)، حقوق آفرینش‌های فکری با تأکید بر حقوق آفرینش‌های ادبی و هنری، تهران، نشر حقوقدان، چ ۱.
- اسماعیلی، محسن، (۱۳۸۴)، «آثار مورد حمایت در حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری ایران و شرایط آن»، مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، زمستان، شماره ۲۸، صص ۷-۳۶.
- امامی، اسدالله، (۱۳۸۶)، حقوق مالکیت معنوی، ج ۱، تهران، نشر میزان، چ ۱.
- انصاری، باقر، (۱۳۸۶)، «شرایط اثر قابل حمایت در نظام مالکیت‌های ادبی و هنری (کپی‌رایت)»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۴۵، بهار و تابستان، صص ۹۷-۱۵۱.
- انصاری، باقر، (۱۳۸۷)، ساز و کارهای حقوقی حمایت از تولید علم (حقوق پژوهش)، تهران، سمت، چ ۱.
- انصاری، شیخ مرتضی، (۱۴۱۹ق)، فرائد الأصول، ج ۲، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چ ۱.
- حسینی سیستانی، سید علی، (۱۴۱۴ق)، قاعدة لا ضرر و لا ضرار، قم، مکتب آیه الله العظمی السید السیستانی.
- حکمت‌نیا، محمود، (۱۳۸۷)، مبانی مالکیت فکری، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۲.
- روحانی، سید محمد صادق، (۱۴۱۴ق)، المسائل المستحدثة، قم، مؤسسه دارالکتاب، چ ۴.
- زرکلام، ستار، (۱۳۸۷)، حقوق مالکیت ادبی و هنری، تهران، انتشارات سمت، چ ۱.
- سنهوری، عبدالرزاق احمد، (۱۹۹۸)، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، ج ۷، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقية، چ ۳.
- سنهوری، عبدالرزاق احمد، (۱۹۹۸)، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، ج ۸، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقية، چ ۳.
- صفایی، سید حسین، (۱۳۸۶)، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، تهران، نشر میزان، چ ۲.

۱۹۴/فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱

- صفایی، سید حسین، (۱۳۸۷)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۱، اشخاص و اموال، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چ ۷.
- قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای ۱۳۷۹.
- قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸.
- قانون حمایت از حقوق الملكية الفكرية مصوب ۲۰۰۲.
- قانون مدنی ایران.
- کلمبه، کلود، (۱۳۸۵)، اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان، ترجمه علی‌رضا محمدزاده وادقانی، تهران، نشر میزان.
- محمدی، پژمان، (۱۳۸۶)، قراردادهای حقوق مؤلف، تهران، مؤسسه انتشارات دادگستر، چ ۱.
- مصطفوی، سید محمد کاظم، (۱۴۱۷ق)، مائتة قاعدة فقهية، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چ ۳.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۱۱ق)، القواعد الفقهية، ج ۱، مدرسه الإمام أمير المؤمنين (ع)، چ ۳.
- موسوی بجنوردی، سید حسن، (۱۴۱۹ق)، القواعد الفقهية، ج ۱، قم، نشر الهادی، چ ۱.
- میرحسینی، سید حسین، (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر مالکیت معنوی، تهران، نشر میزان، چ ۱.

لاتین

- Code Civil.
- Code de la propriété intellectuelle.
- Colombet, Claude(1976), propriété littéraire et artistique, Paris, Dalloz.
- Derieux, Emmanuel, Universitaires ET droit moral d'auteur en droit français, [http://cpi.robic.ca/Cahiers/12-1/12-](http://cpi.robic.ca/Cahiers/12-1/12-1%2004DerieuxEmmanuel.htm)
- Desbois, Henri(1966), Le droit d'auteur, Paris, Dalloz, 2^e éd.
- Loi n° 57-298 du 11 mars 1957 sur la propriété littéraire ET artistique.
- Loi n°94-361 du 10 mai 1994 portant mise en oeuvre de la directive(C.E.E.) n° 91-250 du Conseil des communautés européennes en date du 14 mai 1991 concernant la protection juridique des programmes d'ordinateur.
- Lucas, A. et H.-J. (2001), traité littéraire et artistique, Litec, 2^e éd.

حق پدید آورنده اثر ادبی و هنری نسبت به اصلاح یا استرداد اثر / ۱۹۵

- Ngounou, Alexis(2004), La révocabilité des licences de logiciels libres, cas de la GPL(Général Public Licence), Mémoire Présenté en vue d'obtenir le diplôme de DESS Droit De l' Internet Administration-Entreprises, par direction du Professeur Valerie-Laure BENABOU, Université Paris 1 Panthéon-Sorbonne, Juin.
- pollaud-dulian, Frédéric(2005), Le droit d'auteur, Paris, Economaca.
- Querub, Eglantine ET Bidet-Emeriau, Mélanie, L'exercice post mortem du droit moral, sur le site d'internet: <http://dea-dtcom.u-paris2.fr/Cours/Cours-2008/varet/exposes/lexercicepostmortemdudroitmoral.doc>.

